

Analysis of the Applications of Body Language in Mahdism Teachings

Dr. Salimian, Khodamorad ¹

Abstract

This article, based on the hypothesis that body language, as a communicative technique, has a profound impact on transmitting religious and educational concepts, analyzes the application and role of body language as an effective tool for expressing and transmitting the teachings of Mahdism by the infallibles(A.S.). In response to the question, "How are the uses of body language by the infallibles (A.S.) when speaking about Imam Mahdi(A.S.) analyzed?", this study, using an analytical-descriptive approach, examines and analyzes non-verbal behaviors related to Mahdism, based on religious sources and the conduct of the infallible Imams(A.S.). The findings of this research indicate that body language, as a powerful medium, plays a role in transmitting messages related to Imam Mahdi (A.S.). Non-verbal movements, such as facial expressions, eye movements, and hand gestures, in addition to enhancing emotional and spiritual aspects, can deepen followers' understanding of Mahdism and help institutionalize the teachings related to non-verbal communication from the infallibles(A.S.).

Keywords: Body language, Mahdism; Function, Imam Mahdi(A.S.), Non-verbal communication

1. Associate Professor, Qom Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran
(kh.salimian@isica.ac.ir)

تحلیل کاربرست‌های زبان بدن در آموزه‌های مهدویت*

خدا مراد سلیمیان^۱

چکیده

مقاله حاضر، با اتکا بر این فرضیه که زبان بدن به مثابه یک تکنیک ارتباطی، تأثیری ژرف بر انتقال مفاهیم دینی و تربیتی دارد، به تحلیل کاربرست و نقش زبان بدن به عنوان ابزاری مؤثر در بیان و انتقال آموزه‌های مهدویت از سوی معصومین علیهم‌السلام می‌پردازد. در راستای پاسخ به این پرسش که "کاربردهای زبان بدن نزد معصومین علیهم‌السلام هنگام سخن گفتن از امام مهدی عجل‌الله‌تعالیه چگونه تحلیل می‌شود؟"، این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد تحلیلی-توصیفی، به بررسی و تحلیل رفتارهای غیرکلامی مرتبط با مهدویت، بر پایه منابع دینی و سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌پردازد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که زبان بدن به عنوان یک رسانه قدرتمند، در انتقال پیام‌های مربوط به مهدی موعود عجل‌الله‌تعالیه عمل می‌کند. حرکات غیرکلامی، از جمله حالات چهره، حرکات چشم و دست‌ها، علاوه بر ارتقای ابعاد عاطفی و معنوی، می‌توانند به تعمیق شناخت پیروان از مهدویت و نهادینه ساختن آموزه‌های مرتبط با مدد از ارتباط غیرکلامی معصومان علیهم‌السلام، کمک نمایند.

واژگان کلیدی

زبان بدن، مهدویت، کارکرد، امام مهدی عجل‌الله‌تعالیه، ارتباطات غیرکلامی.

مقدمه

ارتباطات کلامی و غیرکلامی، یکی از گسترده‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین مقوله‌ها در زندگی انسان‌هاست که با همه ابعاد فعالیت‌های فردی و اجتماعی در پیوند است. امروزه دانش ارتباطات به یکی از حوزه‌های گسترده و پیچیده‌ای تبدیل شده

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۴/۱۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۵/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۱۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۷/۰۲
۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (kh.salimian@isca.ac.ir).

است که در بسیاری از جنبه‌های زندگی انسانی، از جمله روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فناوری، فرهنگ و سیاست، نقشی بنیادین ایفا می‌کند. این دانش، دامنه گسترده‌ای از بررسی‌های نظری و کاربردی را در بر می‌گیرد که از ویژگی‌ها و اجزاء اصلی ارتباطات گرفته تا کارکردهای اجتماعی، روان‌شناختی و اقتصادی آن را شامل می‌شود.

در قرون گذشته، به‌ویژه با پیشرفت فناوری‌های رسانه‌ای، نگرش‌های گوناگونی در خصوص نظریه‌ها و رویکردهای ارتباطاتی مطرح شده است. هریک از این نظریه‌ها و دیدگاه‌ها با توجه به ویژگی‌ها و شرایط ویژه زمان خود، رویکردهای ناهمگونی را نسبت به چگونگی انتقال پیام و تأثیر آن در تعاملات انسانی ارائه می‌دهند. با این حال، هدف بنیادین از همه گونه‌های ارتباطات، انتقال پیام است، که در قالب‌های متنوع و پیچیده‌ای از طریق تعاملات و فرآیندهای ارتباطی میان افراد و گروه‌ها رخ می‌دهد.

ارتباطات به طور کلی در دو سطح فردی و اجتماعی، شامل فرایندهای پرشماری است که در آنها، نه فقط محتوای پیام بلکه مسیرها و ابزارهای انتقال پیام نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. این فرایندها می‌توانند به صورت‌های گوناگونی اعم از گفتاری، نوشتاری، تصویری یا حتی غیرکلامی مانند زبان بدن، تأثیرگذار باشند. به همین دلیل، تحلیل و بررسی دقیق روابط پیچیده درون‌زا و برون‌زا میان اجزاء گوناگون ارتباطات، به درک عمیق‌تر از چگونگی شکل‌گیری، انتقال و دریافت پیام‌ها کمک می‌کند و در نهایت، فهم بهتری از تأثیرات آن در ساختارهای اجتماعی و فردی به دست می‌دهد.

در این جا از انواع ارتباطات به گونه غیرکلامی پرداخته خواهد شد.

ارتباط غیرکلامی یکی از گونه ارتباطاتی است که پهنه گسترده‌ای را شامل می‌شود. این نوع از ارتباط از راه حرکات و اشارات انسان به صورت ارادی و غیر ارادی و چیزی غیر از کلمات نوشتاری و گفتاری صورت می‌پذیرد (صلیبی، ۱۳۹۰: ۱۰۲). بخشی از این ارتباط غیرکلامی امروزه با عنوان "زبان بدن" شناخته می‌شود. زبان بدن به مجموعه‌ای از حرکات و ابزارهای غیرکلامی اشاره دارد که فرد برای بیان احساسات و درونیات خود از آنها بهره می‌برد. این زبان در بردارنده حالت‌های ویژه، حرکات‌های چهره، تماس چشمی، وضعیت بدن و حتی فاصله بین افراد است.

درک زبان بدن می‌تواند به مثابه یک ابزار توانمند در ارتباطات مؤثر باشد. البته درک و تفسیر زبان بدن نیازمند دقت و تمرین است، زیرا ممکن است در فرهنگ‌های گوناگون،

معناهای مختلفی داشته باشد. بنابراین، همیشه باید به زمینه اجتماعی و فرهنگی نیز توجه داشت.

برخی از آموزه‌های دینی، به جهت برجستگی‌ای که دارند افزون بر آموزش گفتاری، نوشتاری و نظری، برای تبیین بهتر آن، از آموزش رفتاری و حرکات بدنی نیز استفاده می‌شود.

در شماری از احادیث معصومین علیهم‌السلام دیده می‌شود که آنها برای انتقال و ایجاد فهم بهتر معارف دینی، تلاش می‌کردند آموزه‌های خود را با اشارات و حرکات فیزیکی نیز همراه کنند.

یکی از این معارف دینی مهدویت است که به عنوان یکی از بنیان‌های اساسی عقاید شیعیان، همواره بدان توجه ویژه شده است. با وجود تأکید بر بُعد معنوی و کلامی، این آموزه می‌تواند از طریق نشانه‌های غیرکلامی نیز توانمند شود.

این مقاله به روش کیفی انجام خواهد شد و به منظور بررسی متون روایات مرتبط با موضوع، از تحلیل محتوا بهره خواهد برد. این پژوهش به بررسی این پرسش‌ها خواهد پرداخت که زبان بدن چه نقشی در ترویج و فهم آموزه‌های مهدویت ایفا کرده است و آیا در منابع دینی و روایات شیعه شواهدی مبنی بر کاربرد زبان بدن توسط معصومان علیهم‌السلام در تبیین مفاهیم مرتبط با مهدویت وجود دارد یا خیر؟

هدف اصلی این پژوهش شناسایی و تحلیل جنبه‌های گوناگون زبان بدن در متون دینی مرتبط با مهدویت است. این بررسی به دنبال آن است تا با بهره از رویکردی منسجم، به استخراج و تحلیل عناصر زبان بدن موجود در متون یادشده بپردازد و نقش آنها را در انتقال معانی و مفاهیم مهدوی بررسی کند.

بدین ترتیب، این تحقیق می‌تواند به درک عمیق‌تری از شیوه‌های آموزشی و ارتباطی معصومان علیهم‌السلام و تأثیر آن بر فهم آموزه‌های مهدویت کمک کند.

اگرچه برای بیان معارف مهدوی آثار فراوانی در دست است که به طور عمده به نقل روایات معصومان علیهم‌السلام پرداخته، اما اثری که به طور مشخص به کارکرد زبان بدن در انتقال این مفاهیم پرداخته باشد هیچ اثر مستقلی یافت نشد البته به مناسبت در کوتاه‌هایی در کنار بحث‌های دیگر به آن اشاره شده است. از این رو می‌توان مهم‌ترین ویژگی اثر پیش رو را، نخستین بودن آن در مبحث مهدویت دانست.

کارکردهای زبان بدن در سیره معصومین علیهم السلام درباره مهدویت

سیره معصومان علیهم السلام همواره بر آن بوده که از هر فرصتی به گونه‌های مختلف برای تبیین معارف مهدوی بهره می‌بردند. اگرچه این بهره بیشتر با بیان کلامی بوده اما به اقتضا در مواردی از بیان غیرکلامی که برجسته‌ترین آنها زبان بدن است استفاده کرده‌اند. در این جا به شماری از این موارد اشاره می‌شود:

۱. حالت‌های سر و چهره

سر و چهره انسان به عنوان نخستین ابزار ابراز احساسات، نقشی کلیدی در ارتباطات غیرکلامی دارد. اجزای چهره مانند چشمان، لب‌ها، گونه‌ها و حتی تغییر رنگ پوست، هر کدام می‌توانند پیام‌های گوناگونی را به مخاطب منتقل کنند. در آیات و احادیث، چهره انسان بازتاب دهنده شخصیت و احساسات درونی نظیر شادی، غم، تنفر، بی‌اعتنائی، خشم، ترس و تعجب است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام این حقیقت را در سخنانی بلیغ این‌گونه فرمود که:

مَا أَضْمَرَ أَحَدٌ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَتَاتِ لِسَانِهِ وَ صَفَحَاتِ وَجْهِهِ (نهج البلاغه، حکمت ۲۶)؛

هیچ کس چیزی را در دل نهان نکرد، جز آن‌که در سخنان بی‌اندیشه‌اش و صفحه رخسارش پدیدار گشت.

آن حضرت در این فرمایش چهره را تابلوی درونیات انسان دانسته، تأکید کرده که این تابلو همواره از آنچه انسان تلاش می‌کند پنهان کند پرده بر می‌دارد چه رسد به آن‌که فرد خود بخواهد به وسیله چهره پیام‌هایی را به مخاطب ارسال کند. بنابراین قضاوت ما درباره دیگران نیز بیشتر بر اساس چهره آنها صورت می‌گیرد.

چهره با حالت تفکر و تأمل

یکی از حالت‌های چهره زمانی است که انسان در حال تفکر است و بدون این‌که سخنی بر زبان جاری کند به مخاطب القا می‌کند که امر مهمی در ذهن او مرور می‌شود و او در حال فکر کردن به آن است.

در موضوع مهدویت در برخی احادیث با بیان چنین حالتی معصوم علیه السلام نشان داده که در امر مهم مربوط به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در حال فکر کردن است.

در آموزه‌های دینی گاهی به مخاطب تدبیر و تفکر القا می‌شود. به گونه‌ای که او در می‌یابد در رودرویی با چنین صحنه‌ای نباید به سرعت عبور کند. مطلب برجسته‌ای است که نیاز به تأمل دارد. در القای مباحث مهدوی اگرچه همه آنها نیازمند دقت و تأمل است لکن به طور مشخص گاهی معصوم علیه السلام بر این درنگ تأکید کرده است. نمونه‌هایی از این کاربردی زبان بدن بدین قرار است:

یکی از نقل‌هایی که در آن بهره از زبان بدن بیان شده حدیثی است که کلینی به نقل از اصبح بن نباته این گونه روایت کرده است: نزد امیرمؤمنان علیه السلام رفتم. دیدم به فکر فرو رفته و با دست، بر روی زمین نقش و نگار می‌کشد (فَوَجَدْتُهُ مُتَفَكِّرًا يَنْكُثُ فِي الْأَرْضِ) گفتم: ای امیرمؤمنان! چه شده که تو را این گونه می‌بینم؟ آیا رغبتی به زمین داری؟ فرمود: «نه، به خدا سوگند، تاکنون، یک روز هم، به آن و نه به دنیا رغبتی نداشته‌ام. در مولودی از نسلم می‌اندیشیدم؛ فرزند یازدهم، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که زمین را از عدل و داد پر می‌کند، پس از آن که از جور و ستم پر شده است. او را [روزگار] غیبت و حیرتی است که گروه‌هایی در آن گمراه می‌شوند و گروه‌هایی هدایت می‌یابند». این حدیث در *الکافی* (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۳۸، ح ۷)، *کمال الدین و تمام النعمه* (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۸۹) و کتاب *الغیبه* (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۳۶) نقل شده است.

بنابراین آموزش با حرکات و رفتار به عنوان کارآمدترین و ماندگارترین شیوه‌های آموزشی است که در این حدیث به روشنی به چشم می‌خورد. امیرمؤمنان علیه السلام در ایجاد تأمل در مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف مخاطب را به اهمیت موضوع آگاه می‌سازد. دقت در دو واژه "متفکراً" (در حال اندیشیدن) و "ینکت" (کسی که با سنگ و یا چوب روی زمین می‌کشد و در فکر چیزی است)، این نمایانند را به خوبی بیان کرده است. در این جا حالات بدنی حضرت به گونه‌ای بوده که بدون این که سخنی بر زبان جاری کند، راوی حالتی متفکرانه را برداشت کرده است. قطعاً انسان در حالتی که در فکر چیزی است با حالت‌های دیگر متفاوت است چراکه برخی ویژگی‌های ظاهری گویای چنین حالتی برای اوست.

راوی با بهره از دو واژگان یادشده زبان بدن حضرت را که نشانگر تفکر در امر مهمی دانسته که به خوبی بازتاب داده است. از این رو در ادامه از چرایی این حالت سؤال می‌کند:

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَالِي أَرَاكَ مُتَفَكِّرًا تَتَنَكُّتُ فِي الْأَرْضِ.

نمونه دیگر مربوط به حکایتی است شیخ صدوق از امام رضا علیه السلام در برخورد با شعرخوانی دعبل خزاعی، نقل کرده است. در آن می‌خوانیم: عبدالسلام هروی گوید: از دعبل بن خزاعی شنیدم که می‌گفت: بر مولای خود امام رضا علیه السلام قصیده خود را خواندم که چنین آغاز می‌شود:

مَدَارِسُ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةٍ وَمَنْزِلٌ وَخِي مَقْفَرِ الْعَرَصَاتِ

و چون به این ابیات رسیدم:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَالْبَرَكَاتِ

يُمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَبَاطِلٍ وَيُجْزِي عَلَى النِّعَمَاءِ وَالنَّقِمَاتِ

امام رضا علیه السلام به سختی گریست. سپس سر خود را بلند کرد و به من فرمود: ای خزاعی، روح القدس این دو بیت را بر زبان تو جاری کرده است. آیا می‌دانی این امام کیست و کی به پا می‌خیزد؟ گفتم: خیر ای سرورم، جز این که شنیده‌ام امامی از شما خاندان خروج می‌کند و روی زمین را از تباهی پاک می‌سازد و جهان را پر از داد و دادگری می‌کند.

آن حضرت فرمود: ای دعبل، امام پس از من، فرزندم محمد است، و پس از محمد پسرش علی و پس از وی فرزندش حسن و پس از او فرزندش حجت قائم که در زمان غیبتش انتظار او را می‌کشند و در زمان حضور و ظهورش بر همه جهانیان مطاع و فرمانده باشد، و اگر از روزگار باقی نماند مگر یک روز، خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا او قیام کند و زمین را پر از عدل و داد کند، هم چنان که پر از ظلم و جور شده است. و اما کی و در چه وقت این واقعه روی خواهد داد؟ این مانند خبردادن از زمان رستاخیز است... (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۲۷۶، ح ۶).

در این حدیث که به خوبی راوی آثار حزن و اندوه را در چهره حضرت توصیف کرده به روشنی به بهره آن حضرت از زبان بدن اشاره کرده است.

البته حالت سکوت و تفکر پیش از آن نیز از نشانه‌های بهره از زبان بدن است. گفتنی است که شیخ صدوق این حکایت را به نقل دیگری نیز آورده که در آن نقل نیز بهره از زبان بدن به گونه‌ای دیگر توصیف شده است و آن این که دعبل نقل کرده که:

... و چون به این ابیات رسیدم:

أَرَى فَيْئَهُمْ فِي غَيْرِهِمْ مُتَقَسِّمًا وَأَيَّدِيَهُمْ مِنْ فَيْئِهِمْ صَفَرَاتٍ

حضرت گریست و فرمود: راست گفתי ای خزاعی، همین گونه است.

و چون دعبل به این بیت رسید که:

إِذَا وَتَرُوا مَدُّوا إِلَى وَتَرِيهِمْ أَكْفَاءً عَنِ الْأَوْتَارِ مُنْقَبِضَاتٍ

امام کف دو دستش را می چرخانید و زیر و رو می کرد و می فرمود: آری، این چنین است، دست ها بسته است. که در این نقل بهره از دست برای نشان دادن پیام مورد نظر به روشنی به چشم می خورد.

در نقل دیگری نیز بهره از زبان بدن به صورت دیگری بیان شده است:

علی بن عبدالکریم نیلی نجفی (د. قرن ۸ ق)، حکایت را همانند شیخ صدوق نقل کرده، می نویسد: آن گاه که به این دو بیت رسید:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَ الْبَرَكَاتِ

يُمَيِّزُ فَيُنَاكِلُ حَقِّي وَ بَاطِلِي وَ يُجْزِي عَلَى النَّعْمَاءِ وَ التَّقِيمَاتِ

بکی الرضا عليه السلام بکاءً شدیداً ثم رفع رأسه فقال: يا خزاعی! نطق روح القدس علی لسانک بهذین البیتین (نیلی نجفی، ۱۴۰۱: ۳۹).

که به دو حالت گریه شدید و بلند کردن سر اشاره کرده است.

چهره غمگین و گریان در فراق مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اگرچه پیشوایان معصوم عليه السلام بسان دیگر انسان ها نسبت به پیرامون خود ابراز احساسات می کنند اما از آن جایی که این ابزار دقیقاً بر پایه یک عقلانیت معصومانه است می تواند به نوعی در راستای انتقال پیام هم باشد. از این رو استفاده از ندبه و گریه به عنوان ابزاری کارآمد برای یادآوری مصیبت غیبت و فراق امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. این روش که مورد تأکید برخی از پیشوایان معصوم عليه السلام قرار گرفته، به عنوان یک ابزار مؤثر در تقویت پیوند قلبی و ارتباط معنوی شیعیان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شناخته می شود. ندبه و ابراز احساسات عمیق نسبت به غیبت حضرت، علاوه بر تحریک احساسات دینی، زمینه ساز تعمق و اندیشه بیشتر در آموزه های مهدویت و افزایش آگاهی و تعلق خاطر به این موضوع مهم و بنیادین است. این رویکرد نه تنها به تقویت ارتباط معنوی کمک می کند، بلکه به عنوان یک محرک فکری، باعث افزایش درک و شناخت عمیق تر از مفاهیم مهدویت می شود.

شیخ صدوق به نقل از سدیر صیرفی حکایتی را این گونه روایت کرده است: من و مفضل بن عمر و داود بن کثیر رقی و ابوبصیر و ابان بن تغلب بر مولای مان امام صادق علیه السلام وارد شدیم و دیدیم که بر خاک نشسته و جبه خبیری طوقدار بی گریبان آستین کوتاهی در بر اوست. او مانند مادرِ فرزند مرده شیدای جگر سوخته ای می گریست و اندوه تا و جناتش رسیده بود و گونه هایش دگرگون و دیدگانش پر از اشک گردیده بود و می فرمود:

ای آقای من! غیبت تو، خواب را از دیدگانم رُبوده و بستم را بر من تنگ ساخته و آسایش قلبم را از من سلب نموده است. ای آقای من! غیبت تو، اندوه مرا به فجایع ابدی پیوند داده، و فقدان یکی پس از دیگری، جمع و شمار را نابود کرده است. من دیگر احساس نمی کنم اشکی را که از دیدگانم بر گریبانم روان است و ناله ای را که از مصائب و بلایای گذشته از سینه ام سر می کشد... (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۳۵۲، ح ۵۰؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۶۷، ح ۱۲۹).

سدیر می گوید: از این رخداد سهمگین و پدیده دهشتناک، هوش از سرمان پرید و دل های مان بی تاب و پاره پاره شد و گمان بردیم که مقصودش، مصیبتی کوبنده است و یا روزگار، پیشامدی ناخوش را برایش پیش آورده است. گفتیم: ای فرزند بهترین مردم! خدا چشمانت را گریان نکند! از چه پیشامدی اشک می ریزی و دیده ات گریان است و چه حالتی این سوگواری را بر شما در آورده است؟ امام صادق علیه السلام آهی دردناک از ته دل کشید و هراسش را از آن نشان داد و فرمود:

وای بر شما! صبح امروز به کتاب جعفر نگرستم ... من در آن به این چیزها می اندیشیدم: تولد قائم مان، غیبت، دیر پدیدار شدنش، طول عمرش، گرفتاری مؤمنان پس از او در همان زمان، شک هایی که از درازی غیبتش در دل های شیعیان پدید می آید، از دین بیرون رفتن بیشتر آنها و... (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۶۷).

در این حکایت یاد شده، موارد مهمی از زبان بدن به کار گرفته شده است:

- نشستن روی زمین به مانند مصیبت دیدگان؛
- گریه سوزناک که حکایت از امر تلخی دارد؛
- پوشیدن لباس مصیبت زدگان؛
- آهی دردناک، حکایت از شدت حسرت؛

– نشان دادن هراس از آنچه از آن یاد کرده است.

نکته قابل تأمل در این جا این است که ندبه و یادآوری مصائب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان یک روش آموزشی مؤثر توسط ائمه علیهم السلام برای انتقال معارف دینی به کار گرفته می شد. امام صادق علیه السلام با ابراز گریه و اندوه عمیق به دلیل فراق امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مخاطبان خود را به پرسش درباره علت این احساسات ترغیب می کردند. این رویکرد به ایشان اجازه می داد تا دلایل این رفتار را توضیح دهند و به مسائلی همچون تولد، غیبت، ابهاماتی که در طول دوران غیبت پیش می آید، مشکلاتی که شیعیان در زمان غیبت با آن مواجه می شوند، و طول عمر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بپردازند.

از این طریق، امام صادق علیه السلام با اجرای چنین رفتارها و اعمالی، زمینه مناسبی برای تعالیم مربوط به امام زمان علیه السلام و افزایش آگاهی و کنجکاوی پیرامون این آموزه ها فراهم می کردند. این روش افزون بر ابراز احساسات عمیق از سوی حضرت، نه فقط به تعمیق شناخت دینی منجر می شد، بلکه فرصتی برای بحث و تفکر درباره مفاهیم عمیق مهدویت ایجاد می کرد.

این شیوه آموزشی، با تحریک احساسات و ایجاد فضای پرسش و پاسخ، به مخاطبان کمک می کرد تا به درک عمیق تری از مفاهیم دینی و اهمیت مهدویت دست یابند. به این ترتیب، ندبه و یادآوری مصائب به عنوان ابزاری برای تقویت ارتباط معنوی و فکری با آموزه های دینی عمل می کرد.

چهره خشمگین و غضبناک

خشم و غضب از جمله احساسات پرقدرت انسانی است که تأثیرات آن به وضوح می تواند در زبان بدن فرد مشاهده شود. زبان بدن به معنای استفاده از حرکات و حالات بدنی برای بیان احساسات است، و خشم می تواند با علائم مختلفی در این زمینه ظاهر شود.

کلینی در کافی از ابوبصیر نقل کرده که محضر امام باقر علیه السلام گفت: إِنَّ رَجُلًا مِنَ الْمُخْتَارِيَةِ لَقِيَنِي فَرَزَعَمَ أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَنَفِيَّةِ؛ مردی از مختاریه را ملاقات کرد مراد حالی که گمانش این بود که محمد بن حنفیه امام است: إِمَامٌ فَغَضِبَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۲۹۱) در ادامه حضرت سخنانی فرمودند.

در این جا ابوبصیر نشانه های خشم را در صورت حضرت به روشنی گزارش کرده است. یا در حدیث دیگری می خوانیم که عبدالله بن سنان می گوید نزد امام صادق علیه السلام بودیم که مردی از همدام می گفت عامه ما را سرزنش می کنند درباره این که منادی به اسم صاحب الامر ندا سر خواهد داد. آن حضرت در حالی که تکیه داده بود آثار خشم در چهره ایشان آشکار شد و به حالت نشسته قرار گرفت و فرمود: این سخن را از من نه، بلکه از پدرم نقل کنید...؛ حدیثی را در ادامه فرمود (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۶۰).

البته از این دست احادیث که در آن خشم معصومان علیهم السلام را بیان کرده است در میان روایات به چشم می خورد.

۲. حرکت دست ها

دست ها ابزار اصلی در ارتباطات غیرکلامی هستند و می توانند توجه مخاطب را از طریق حرکات مختلف جلب کنند:

اشاره با دست به سینه و گلو خود به نشانی لزوم شناخت امام

امام صادق علیه السلام در برخی از موارد، با اشاره به گلو و سینه، ضرورت امام شناسی را تبیین فرمودند. برقی در *المحاسن* از امام صادق علیه السلام در این باره این گونه نقل کرده است:

زمین سامان نمی باید جز به وجود امام، و هر کس بمیرد و امامش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است، و بیش از هر زمان، هنگامی به شناخت او نیاز پیدا می کند که جانش به این جا برسد و با دست خود به سینه اش اشاره کرد [و سپس فرمود]: در آن هنگام، می گوید: عقیده نیکویی داشتم (برقی، ۱۳۷۱: ج ۱، ۲۵۲، ح ۴۷۵).

این اشاره به روشنی بهره از زبان بدن را در این حدیث به تصویر کشانده است.

اشاره با دست به نشانه وحدانیت خداوند

در برخی از گزارشات، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به هنگام تولد، افزون بر اظهار شهادتین با بهره از زبان بدن و آن هم اشاره انگشت خود به آسمان و گواهی دادن به امامت ائمه پیشین، برای فرج خویش دعا نموده است. حکیمه خاتون دختر امام جواد علیه السلام در گزارش ماجرای به دنیا آمدن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوید: ... بازگشتم و طولی نکشید که پرده میان من و نرگس کنار رفت و او را چنان نوری فرا گرفته بود که چشمانم را فرو بست و آن گاه کودکی را دیدم که سر بر سجده نهاد و بر زانوانش نشست و دو انگشت اشاره خود

را بالا آورد و فرمود: «گواهی می‌دهم که خدایی جز خداوند یگانه بی‌همتا نیست و جدّم محمّد، پیامبر خدا و پدرم، امیرمؤمنان است...» (رَافِعاً سَبَّابَتِيهِ وَهُوَ يَقُولُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ جَدِّي مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ و...). سپس يك امان را برشمرد تا به خودش رسید و سپس فرمود: «خدایا! آنچه را بر من وعده داده‌ای به انجام برسان و کارم را به پایان ببر و زمینه و جایگاهم را استوار بدار و زمین را به دست من از عدل و داد پُر کن» (ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُمَّ انْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَأَتِمِّمْ لِي أَمْرِي، وَثَبِّتْ وَطْأَتِي، وَامْلَأِ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۴۲۶ - ۴۲۸، ح ۲).

اشاره به خود به نشانه ترس از کشته شدن

یکی از بحث‌های مربوط به غیبت حضرت مهدی علیه السلام حکمت‌ها و علت‌های غیبت است. در میان آنها ترس از کشته شدن به عنوان یکی از علل غیبت نام برده شده است. معصومان علیهم السلام در احادیث پرشماری با این علت اشاره کرده‌اند. در برخی از آنها افزون بر بیان کلامی، معصوم علیه السلام با اشاره به خود خود و به کاربردن کلمه "یخاف" کنایه از این که او را می‌کشند اگر غائب نباشد، مراد خود را به روشنی بیان کرده‌اند. در حدیثی امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش از چرایی غیبت مهدی علیه السلام، با اشاره به سوی خود خویش، خوف از جان و خطر کشته شدن قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را مطرح کرده است. کلینی و شیخ صدوق به نقل از زرارة بن اعین در این باره، روایت کرده است. شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

قائم، غیبتی پیش از قیامش دارد. گفتم: چرا؟ فرمود: می‌ترسد و به دل خود اشاره کرد... (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۴۲، ح ۲۹ و ۳۳۷، ح ۵؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۳۴۲، ح ۲۴).

در این حدیث راوی بهره امام از زبان بدن را با این تعبیر آورده است: وَأَوْماً بِيَدِهِ إِلَى بَطْنِهِ؛ با توجه به معنای "اوما" که به معنای "اشاره کردن" با دست است این تصویرسازی در حدیث به روشنی به چشم می‌خورد. البته در پایان حدیث راوی تعبیر "يَعْنِي الْقَتْلَ"، را افزوده است. که اگر چنانچه اضافه هم نمی‌شد به روشنی دلالت می‌کرد. ضمن این خود حضرت پیش از این حرکت فرموده بود: إِنَّهُ يَخَافُ.

کشیدن دست بر شاخه پر تیغ به نشانه سختی کار

یکی از ویژگی‌های برجسته دوران غیبت آزمایش و امتحان سخت و سختی دینداری دانسته شده است که بر مؤمنان عارض می‌شود. این ویژگی در احادیثی مطرح شده است. به طور مشخص در روایاتی با زبان بدن به سختی دینداری در دوران غیبت این گونه تأکید شده است.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل است که آن حضرت با اشارات دست، برای درک بهتر مخاطبین خود، این مفهوم کلیدی را یادآوری کرده است.

کلینی با سندش (حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ صَالِحِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ يَمَانِ التَّمَارِ قَالَ) به نقل از یمان خرما فروش می‌گوید:

كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام جُلُوسًا فَقَالَ لَنَا إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً الْمُتَمَسِّكِ فِيهَا بِدِينِهِ كَالْخَارِطِ لِلْقَتَادِ ثُمَّ قَالَ هَكَذَا بِيَدِهِ فَأَيُّكُمْ يَمْسِكُ شَوْكَ الْقَتَادِ بِيَدِهِ ثُمَّ أَطْرَقَ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَلْيَتَمَسَّكْ بِدِينِهِ (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۳۵، ح ۱؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۳۴۶، ح ۳۴؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۶۹، ح ۱۱؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۵۵، ح ۴۶۵)؛

نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودیم که به ما فرمود: «صاحب این امر، غیبتی دارد که در آن روزگار، کسی که به دین خود چنگ می‌زند، مانند کسی است که شاخه پُر از خار و تیغ را با دستش صاف و تهی از خار می‌کند» و با دستش این کار را تصویر کرد [و در ادامه فرمود: «کدام یک از شما چنین می‌کند؟». آن‌گاه مدتی دراز نگاهش را به زمین دوخت و سپس فرمود: «صاحب این امر، غیبتی دارد. بنده باید از خدا پروا کند و به دینش چنگ بزند».

با توجه به معنای خطر القتاد که به دست کشیدن بر شاخه پر تیغ درخت در جهت مخالف تیغها است و کاری بس دشوار امام تمسک به دین و دینداری را این گونه دانسته است.

یا در روایتی آن حضرت برای تشریح بهتر اوضاع نابه سامان آستانه ظهور و فتنه‌های آن دوران و درک بهتر مخاطبین خود، به وسیله دست و یا اشاره انگشتان خود به توضیح این مطلب پرداخته است. به عنوان مثال؛ نعمانی چنین نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

عنه

وَاللّٰهُ لَتُكْسِرُنَّ تَكْسِرَ الرُّجَاجِ وَإِنَّ الرُّجَاجَ لَيَعَادُ فَيَعُودُ كَمَا كَانَ وَاللّٰهُ لَتُكْسِرُنَّ تَكْسِرَ
الْفَخَّارِ فَإِنَّ الْفَخَّارَ لَيَتَكْسَرُ فَلَا يَعُودُ كَمَا كَانَ وَاللّٰهُ لَتُعْزِبَنَّ وََاللّٰهُ لَتُمَيِّزَنَّ وَاللّٰهُ
لَتُمَخَّصِّنَّ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَقْلُ وَصَغَرَ كَفَّهُ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۰۷، ح ۱۳؛ طوسی،
۱۴۱۱ق: ۳۴۰، ح ۲۸۹)؛

به خدا سوگند، مانند شیشه می‌شکنید؛ ولی شیشه را می‌توان به هم چسباند و به
حالت قبلی‌اش باز گرداند. به خدا سوگند مانند سفال می‌شکنید، که پس از
شکسته شدن، دیگر به حالت اول باز نمی‌گردد. به خدا سوگند غریبال می‌شوید. به
خدا سوگند، تمیز داده می‌شوید. به خدا سوگند، خالص می‌شوید، تا آن‌که جز
اندکی از شما باقی نماند و کف دستش را برگرداند.

حضرت ضمن این‌که در خود حدیث تشبیه و کنایه‌هایی را مطرح کردند در آخر با بهره
از زبان بدن به تثبیت آن معانی اقدام کردند.

کشیدن پوست دست به نشانی پیری

با توجه به مدارک و اسناد حدیثی و تاریخی عمر حضرت مهدی علیه السلام به نزدیک یک
هزار و دویست سال رسیده است. اما آنچه که مهم است در روایاتی گفته شده با وجود
این عمر طولانی آن حضرت در هیئت و هیبت یک مرد جوان آشکار خواهد شد.

افزون بر روایاتی که به این جوانی تصریح شده در برخی موارد امام معصوم علیه السلام با بهره از
زبان بدن بر این نکته تأکید کرده است. به عنوان نمونه حمیری، بکرین محمد می‌گوید:
من و ابوبصیر و علی بن عبدالعزیز بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم. به امام صادق علیه السلام
گفتم:

تو صاحب [قیام و فرج] ما هستی؟ فرمود: «من صاحب شما باشم؟». سپس پوست
بازویش را گرفت و کشید و فرمود: «من پیرمردی کهن سالم و صاحب شما، جوانی
نورسیده است» (حمیری، ۱۳۷۱: ۴۴، ح ۱۴۲).

در روایت یادشده، امام صادق علیه السلام با این عمل (کشیدن پوست بازو)، مخاطب خود را
به مصداق جوانی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف رهنمون ساخت و به او فهماند که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی است
که جوان باشد.

البته در این مصداق و مصداق بعدی ترکیبی از زبان گفتار^۱ و زبان بدن^۲ را به روشنی

1. speech act
2. Body language

مشاهده می‌کنیم.

اشاره با دست به عرق پیشانی به نشانی سختی قیام

برخلاف برخی سخنان بی اعتبار که قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف را بدون هیچ سختی و خونریزی معرفی کرده‌اند پیشوایان معصوم علیهم السلام هموار بر سختی‌های قیام آن حضرت تأکید کرده شیعیان را به کسب آمادگی‌های لازم توصیه کرده‌اند.

ایشان افزون بر بیانات کلامی در مواردی برای تثبیت این امر مهم از زبان بدن بهره برده‌اند. ماند آنچه که امام باقر علیه السلام برای فهم بهتر مخاطب و پرسشگر خود در باب نگاه ناصحیح فرقه مرجئه به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، انجام داد. آن حضرت با اشاره به پیشانی خود، برای او تبیین نمود که برای برپایی دولت حق، باید زحمات فراوانی کشید به حدی که در خون و عرق، غرق شد. در این حدیث امام این‌گونه فرمود:

... وَيَحْ هَذِهِ الْمُرْجِيَّةُ إِلَى مَنْ يَلْبِثُونَ غَدًا إِذَا قَامَ قَائِمُنَا قُلْتُ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ لَوْ قَدْ كَانَ ذَلِكَ كُنَّا وَ أَنْتُمْ فِي الْعَدْلِ سَوَاءٌ فَقَالَ مَنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَنْ أَسَرَ نِفَاقًا فَلَا يَنْبَعِدُ اللَّهُ عَنْهُ وَ مَنْ أَظْهَرَ شَيْئًا أَهْرَقَ اللَّهُ دَمَهُ ثُمَّ قَالَ يَذْبَحُهُمُ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ كَمَا يَذْبَحُ الْقَصَابُ شَاتَهُ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى حَلْقِهِ قُلْتُ إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّهُ إِذَا كَانَ ذَلِكَ اسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ فَلَا يَهْرِيْقُ مِحْجَمَةً دَمٍ فَقَالَ كَلَّا وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ حَتَّى تَمْسَحَ وَ أَنْتُمْ الْعَرَقُ وَ الْعَلَقُ وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى جَبْهَتِهِ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۸۴):

وای بر این مرجئه! فردا وقتی قائم ما قیام کند، به کجا پناه خواهند برد؟ گفتم: آنها می‌گویند که اگر این چنین شود، ما و شما در عدالت برابر خواهیم بود. فرمود: هر که توبه کند، خدا بر او توبه‌پذیر است، و هر که نفاق در دل پیوشاند، خدا او را از رحمت خود دور می‌کند، و هر که چیزی را آشکار کند، خدا خورش را خواهد ریخت. سپس فرمود: قسم به کسی که جانم در دست اوست، او آنها را همچون قصاب که گوسفندش را ذبح می‌کند، خواهد کشت، و با دستش به گلوی خود اشاره کرد. گفتم: آنها می‌گویند که وقتی چنین شود، امور برای او به آرامش خواهد رسید و حتی یک قطره خون نخواهد ریخت. فرمود: هرگز، قسم به آن که جانم در دست اوست، تا زمانی که شما عرق و خون‌های اضافی پیشانی خود را پاک کنید. و با دستش به پیشانی خود اشاره کرد.

در حدیث با تعبیر (وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى جَبْهَتِهِ) که گزارش راوی حدیث است، به روشنی به درهم آمیختن خون با عرق را به نمایش گذاشته این باور را تثبیت نمود.

۱۴۰۳

اشاره با دست به نشانی معرفی حضرت مهدی علیه السلام

شیخ صدوق با سند خود از گروهی از جمله معاویه بن حکیم و محمد بن ایوب بن نوح روایت می‌کند: ما چهل نفر در منزل امام عسکری علیه السلام بودیم که پسرشان را به ما نمایانند و فرمودند:

این پس از من، امام شما و خلیفه من بر شماست، از او اطاعت کنید و بعد از من در اعتقادات خود پراکنده نشوید که هلاک خواهید شد. بدانید شما پس از این روز، دیگر او را نخواهید دید. ما از نزد حضرت بیرون آمدیم و چند روز بیشتر نگذشت که ابومحمد [امام عسکری] از دنیا رفتند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۳۵؛ طبرسی، ۱۳۷۶: ج ۲، ۲۵۲).

کلینی به نقل از ضوء بن علی عجل، از مردی ایرانی و از اهالی فارس که نامش را گفت این‌گونه روایت کرده است؛ به سامرا آمدم و به در خانه ابومحمد (امام عسکری علیه السلام) چسبیدم... تا کنیزی با چیزی سرپوشیده به سوی من بیرون آمد. سپس امام مرا صدا زد که داخل شوم. داخل شدم و کنیز را نیز ندا داد. به سوی او باز گشتم. امام به کنیز فرمود:

پرده را از آنچه با توست، بردار. او پرده را برداشت. پسری سپید و خوش رو بود. پارچه را از شکمش نیز کنار زد. مویی از زیر گلو تا نافش روئیده بود که سبز بود و نه سیاه. امام فرمود: این، همان امام شماست. سپس به کنیز فرمان داد و او کودک را برداشت و برد و دیگر پس از آن، او را ندیدم تا ابومحمد علیه السلام در گذشت (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۲۹، ح ۵۱۴؛ ج ۲).

عمرو اهوازی شیخ طبرسی، او را از جمله سفیران امام و ابواب معروف دوران غیبت صغرا شمرده که امامیه معتقد به امامت امام عسکری علیه السلام، درباره آنها اختلاف نظری ندارند (طبرسی، ۱۳۷۶: ج ۲، ۲۵۹) نیز می‌گوید: امام عسکری علیه السلام پسرش را به من نشان داد و فرمود:

این، پس از من، صاحب امر شماست (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۲۸، ح ۳؛ ۳۳۲، ح ۱۲).

همچنین بر اساس روایت شیخ طوسی، امام صادق علیه السلام فرمود:

صاحب ما که از صُلب این است (با دستش به موسی بن جعفر اشاره کرد)، ظهور می‌کند و زمین را از عدل پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است و

دنيا برايش گوارا [و رام] می شود (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۲، ح ۲۳).

به نظر می رسد در آن دوران این تعبیر بسیار رائج بوده و مخاطب به روشنی مقصود را متوجه می شده است.

اشاره با دست به گردن خود به نشانی گردن حضرت مهدی علیه السلام

برای معرفی حضرت مهدی علیه السلام چه پیش از ولادت و چه پس از آن از عناصر کلامی فراوانی استفاده شده است اما در مواردی اگرچه اندک افزون بر این عناصر از زبان بدن نیز بهره برده شده مانند حدیثی که شیخ صدوق آن را این گونه نقل کرده است. که در آن **عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِي** می گوید: **بِهِ مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ الْعَمَرِي** علیه السلام گفتم:

إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ إِبْرَاهِيمَ رَبِّهِ جَلَّ جَلَالُهُ حِينَ قَالَ لَهُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُخَيُّ الْمُتَوَقِّي قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَى وَلَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قُلُوبِي؛ فَأَخْبَرَنِي عَنْ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ هَلْ رَأَيْتَهُ قَالَ نَعَمْ وَ لَهُ رَقَبَةٌ مِثْلُ ذِي وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى عُنُقِهِ (ابن بابويه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۴۳۵)؛

گفتم به عمری: «از تو درباره مسئله ای می پرسم، همان طور که خداوند عزوجل در داستان ابراهیم فرمود: «آیا ایمان نیاورده ای؟» گفت: «بله، ولی برای این که دلم آرام گیرد.» آیا صاحبم را دیده ای؟» او به من گفت: «بله، و او گردنی مانند این دارد» و با دستانش به گردنش اشاره کرد.

اشاره با دست به نشانه دور کردن

در کتاب های **کمال الدین و تمام النعمه** شیخ صدوق، روایتی از ابوالادیان نقل شده است که حاکی از واقعه ای تأثیرگذار در هنگام تشییع پیکر امام حسن عسکری علیه السلام است. راوی، ورود به خانه را توصیف می کند و مشاهده پیکر مطهر امام را که آماده تدفین بود. جعفر بن علی، برای اقامه نماز بر برادر خود آماده می شود؛ اما پیش از آن که تکبیر بگوید، کودکی گندمگون با موهای موج دار و دندان های نمایان ظاهر می شود و ردای جعفر را گرفته، چنین می گوید: «عمو! عقب بایست که من از تو شایسته ترم برای اقامه نماز بر پدرم.» این روایت، به طور ضمنی، اشاره به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد و از لحاظ ادبی و محتوایی، سرشار از بار عاطفی و معنوی است.

جعفر در حالی که رنگش دگرگون و زرد شده بود، عقب رفت و **كودك** جلو آمد و بر او نماز خواند. او (امام عسکری علیه السلام) در کنار قبر پدرش به خاک سپرده شد (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ۴۷۵؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۷۱، ح ۲۳۷).

شیخ طوسی نیز پس از ذکر روایت بالا روایت دیگری را نیز نقل کرده که بیان‌گر آن است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خود آغاز به نماز کرد و گروهی از شیعیان (تعداد آنها ۳۹ نفر ذکر شده است) در این مراسم حضور داشتند؛ از کسانی که در این مراسم حضور داشت، ابراهیم پسر محمد تبریزی بود. وی در این باره می‌گوید:

روز رحلت امام حسن عسکری علیه السلام در سامرا وارد خانه امام شدم، جنازه آن حضرت را آوردند، و ما ۳۹ نفر بودیم که یک کودک به ظاهر ده ساله بیرون آمد، عباي خود را بر سر مبارکش کشیده بود، و هنگامی که در صحن خانه ظاهر شد، همه ما پیش از آن که او را بشناسیم، در مقابل شکوه، هیبت، عظمت و وقار او بی‌اختیار برخاستیم. در برابر جنازه ایستاد و همگی پشت سرش صف کشیدیم و به امامت او بر پدر بزرگوارش نماز خواندیم. چون از نماز فارق شد به یکی از اتاق‌های منزل وارد شد که از غیر آن بیرون آمده بود (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۵۷).

که البته در این روایت حالت کشیدن عبا بر سر به نوعی زبان بدن به حساب می‌آید و می‌تواند پیام‌هایی داشته باشد مانند: شدت حزن و اندوه و یا ناشناس ماندن برای بینندگان.

نتیجه‌گیری

تحلیل و بررسی ارتباطات غیرکلامی در متون مهدوی نشان می‌دهد که زبان بدن در بخش قابل توجهی از احادیث مرتبط با مهدویت نقشی بنیادین و تعیین‌کننده دارد. این زبان به گونه‌ای به کار گرفته می‌شود که پیام‌ها به صورت ضمنی و غیرمستقیم به مخاطبان منتقل می‌شوند، و این امر به درک عمیق‌تر و جامع‌تر مفاهیم کمک می‌کند. زبان بدن شامل حرکات، اشارات و حتی حالت‌های چهره است که می‌تواند به عنوان یک ابزار ارتباطی قدرتمند عمل کند. در احادیث مهدوی، این عناصر غیرکلامی به گونه‌ای به کار گرفته می‌شوند که می‌توانند لایه‌های پنهان و معانی ضمنی را آشکار کنند. به عنوان مثال، یک اشاره خاص یا تغییر در حالت چهره می‌تواند به مخاطب نشان دهد که پیام اصلی فراتر از کلمات بیان شده است و نیاز به تفسیر دقیق‌تری دارد. از این رو، توجه به زبان بدن به عنوان یک ابزار بنیادین، برای فهم کامل و دقیق سخنان معصومین علیهم‌السلام، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این توجه می‌تواند فهم بهتری از پیام‌های منتقل شده ارائه دهد.

منابع

قرآن کریم
نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱)، المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۲)، الإیقاظ من ההجعة بالبرهان علی الرجعة، تهران: نوید.
۴. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۳۷۱)، قرب الإسناد، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.
۵. صلیبی، ژاست (۱۳۹۰)، «تحلیلی بر سهم ارتباطات غیرکلامی در کنش متقابل اجتماعی»، فصل نامه جامعه پژوهی فرهنگی، شماره ۲.
۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۶)، اعلام الوری، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.
۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، کتاب الغیبه، قم: دارالمعارف الاسلامیه.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹. مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۱۳ق)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید.
۱۰. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، الغیبه، تهران: نشر صدوق.
۱۱. نیلی نجفی، علی بن عبدالکریم (۱۴۰۱ق)، منتخب الانوار المضيئة، قم: چاپخانه خیام.